

جنبش تحریم امتعه خارجی در تاریخ معاصر

منیژه ربیعی رودسری*

یکی از جنبشهای مهمی که در تاریخ معاصر ایران رخ داده است، جنبش تحریم کالاهای خارجی به جهت کسب استقلال اقتصادی از دولتهای اروپایی بود. همزمان با رشد مناسبات بازرگانی ایران و اروپا، خطر وابستگی اقتصادی سبب شد تا تجار، روحانیون و روشنفکران از طریق اعلام فتاوی، سخنرانی در منابر و درج مقالات و رسالات در نشریات آن زمان مردم را به تحریم امتعه فرنگی تشویق کنند. کار به جایی کشید که مارلینگ، کاردار سفارت انگلیس در ایران، به امر تحریم و فتاوی روحانیون اعتراض کرد. این جنبش از زمان گسترش مناسبات بازرگانی ایران و اروپا بتدریج به وجود آمد، در زمان انقلاب مشروطه اوج گرفت و تا سالهای ۱۳۰۰ ش به بعد ادامه داشت.

* عضو هیئت علمی و گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

پیش از توجه اروپاییان به بازارهای ایران، تولیدات صنعتی کشور رونق داشت زیرا، علاوه بر تأمین نیاز داخلی، بخش مهمی از این تولیدات به خارج از کشور صادر می‌شد. از میان رقم تولیدات و صادرات ایران بخش قابل توجهی به پارچه اختصاص داشت زیرا، علاوه بر مصرف در داخل، از زمان صفویه به بعد پارچه ایران به قفقاز و آسیای مرکزی صادر می‌شد. پارچه‌های ایران دارای کیفیت و مرغوبیت بودند، چنانکه شال کرمان با شال کشمیر رقابت می‌کرد^۱، پارچه پشمی که از پشم شتر بافته می‌شد و بَرک نام داشت، قادر به برابری با پارچه‌های فاستونی انگلیسی بود، پارچه‌های نخ چیت و قلمکار اصفهان، فدک کاشان، ابریشم یزد و تبریز، مخمل مشهد، کاشان و اصفهان و زری و نقره‌بافی کاشان و یزد که پیش از اروپا در ایران تولید می‌شد^۲، به دلیل ارزانتر بودن از نوع اروپایی آن، طرف توجه بسیار بود^۳.

پس از فتوحات روسیه در ۱۸۷۷/۱۲۹۴ دولت تزاری برای حمایت از تولیدات داخلی روسیه تعرفه کالاهای وارداتی را به پنجاه درصد افزایش داد و رشد صنایع روسیه در ۱۸۹۰/۱۳۰۸ به میزان هشت درصد سبب شد تا کالاهای داخلی روسیه جای منسوجات صادراتی ایرانی را بگیرد^۴. همچنین تمایلات استعماری روسیه بویژه پس از معاهدات گلستان و ترکمانچای تعرفه گمرکی کالاهای صادراتی روسی را به پنج درصد کاهش داد و در پی آن سیل اجناس این کشور بازارهای ایران را فراگرفت. افزون بر این، فشارهای سیاسی بریتانیا بر دولت ایران نیز باعث کاهش تعرفه کالاهای انگلیسی شد و

۱. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۶۲۵-۶۲۶.

۳. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران ۱۳۶۲ ش، ص ۴۶۷؛ کرزن،

ج ۲، ص ۶۲۲. ۴. عیسوی، ص ۴۶۷.

مصنوعات آن کشور از مرزهای جنوبی سرازیر بازار داخلی شد.^۱ رشد سریع بازرگانی خارجی، رونق کالاهای فرنگی و اعتیاد مردم ایران به مصرف این کالاها سبب کاهش تولیدات وطنی شد.^۲ به حدی که دیگر در بازارهای داخلی نشانی از امتعه ایرانی نبود.^۳ تولید منسوجات داخلی روبه افول نهاد و بسیاری از کارگاههای کاشان به عنوان مرکز ابریشم‌بافی ایران^۴ بایر افتادند.^۵ یزد نیز که از شهرهای مهم صنعتی ایران و مرکز ابریشم‌بافی بود به این سرنوشت دچار شد.^۶ پس از چندی یکسره واردات ایران تبدیل به کالاهای ساخته شده فرنگی شد و صادرات را عموماً مواد خام تشکیل می‌داد.^۷

با روی آوردن فرستادگان دول اروپایی به ایران برای برقراری مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی، واکنشهای اولیه نشان‌دهنده هراس حاکمان ایران از برقراری این مناسبات و دچار شدن به سرنوشت هند بود. مثلاً کریمخان زند در مواجهه با ایلچی پادشاه انگلیس که با خود از فرنگ نفایس و آلات و اسباب آورده بود تا در ایران پایگاهی کسب کند و بنای معامله امتعه و اقمشه با ایران را بگذارد، پیشنهاد او را رد کرد و گفت: «دانستم که به لطایف الحیل پادشاهی ایران را مالک و متصرف گردند. چنانکه ممالک هندوستان را به خدعه و مکر و تزویر و نیرنگ و حيله به چنگ آوردند... اهل ایران را احتیاجی به امتعه و اقمشه و اشیاء فرنگی نیست. زیرا در ایران پنبه،

۱. همان، ۱۲۷.

۲. احمد اشرف، موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاری، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۹۱.

۳. حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، چاپ حمید سیاح، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۴۶۶.

۴. عبدالرحیم کلانتری کاشانی، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، تهران ۱۳۶۵ ش، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۵. اوژن فلاندن، سفرنامه اوژن فلاندن، ترجمه حسین نورصادقی، تهران ۱۳۶۵ ش، ص ۱۲۵-۱۲۶. ۶. اشرف، ص ۹۲. ۷. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۵-۶۶۸.

پشم، کرک، ابریشم و کتان زیاد است. اهل ایران هرچه می‌خواهند بیافند و بپوشند. اگر چنانچه شکر لاهوری نباشد، شکر مازندرانی و عسل و شیرۀ انگوری و شیرۀ خرما اهل ایران را کافیت.^۱ پس ارمغان ایلچی فرنگی را به ساریانان و قاطرچیان و تازی‌کشان بخشید.^۱

پس از کریمخان افزایش حجم واردات و خروج مسکوک نقره کشور^۲ در زمان شاهان قاجار عاقبت محمدشاه را وادار به اتخاذ سیاست تحریم کالاهای خارجی نمود تا بدین وسیله از خروج بیشتر نقره کشور جلوگیری کند. بنابه گزارش هنری آلیس به پالمستون، شاه [محمدشاه] به همه چیز متشبث می‌شود تا از مصرف تولیدات اروپایی جلوگیری کند او تولیدات ایران را تشویق می‌کند. به تولیدکنندگان چیت، جایزه می‌دهد و به درباریان تأکید می‌کند که بتدریج منسوجات ایرانی و شالهای کرمانی استفاده کنند. این اقدامات جز در دربار کشتی نداشت و هدف او در بوته ناکامی افتاد^۳ تا جایی که محمدشاه گفت: «هرکس از رعایای او اجناس خارجی بخرد... است.» تحریم کالاهای فرنگی به دلیل حس تنوع‌جویی درباریان و چشم و هم‌چشمی خانواده اعیان و ورود کالاهای اروپایی توسط تجار، در زمان محمدشاه با شکست روبرو شد.^۴

پس از واکنشهای ناموفق شاهان ایران در قبال هجوم امتعه فرنگی به کشور و لطمات اقتصادی ناشی از آن، دورهٔ صدارت امیرکبیر سرمنشأ تحولی در تاریخ اقتصادی ایران شد. وی ابتدا با تأسیس کارخانه‌های متعدد پارچه‌بافی و مصنوعات دیگر توانست بخشی از احتیاجات داخلی را تأمین کند، سپس با تشویق صنعتگران به تولید اجناس مشابه خارجی، اعزام

۱. محمدهاشم آصف، رستم التواریخ، چاپ محمد شیری، تهران ۱۳۵۴ ش، ص ۳۸۳، ۳۸۶.

۲. عیسوی، ص ۱۱۶. ۳. همان، ص ۱۱۸.

۴. ایرج ذوقی، مسایل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران ۱۳۷۰ ش، ص ۲۸۶-۲۸۷.

صنعتگر به خارج و آموزش فنون مختلف سعی در بی‌نیازی کشور به امتعه فرنگی نمود. در ۱۲۶۶ تجار تبریزی به ورود قماش فرنگی اعتراض کردند^۱ و امیرکبیر به تحدید ورود کالاهای فرنگی اقدام کرد. در ۱۲۶۷ مصنوعات ایران در نمایشگاه بین‌المللی لندن برای معروف ساختن کالاهای ساخت ایران، شرکت داده شد. حاصل اقدامات امیرکبیر در دوران کوتاه صدارتش آن بود که تولید شال کرمان (امیری) جای ورود شال کشمیر را گرفت و همچنین در زمینه واردات، رقم واردات این دوره به نصف دوران محمدشاه تقلیل یافت.^۲

با برکناری امیرکبیر از مقام صدارت اقدامات او نیمه‌کاره ماند و با آنکه ناصرالدین شاه بعدها پیگیر اصلاحات او بود لیکن از تمامی اقدامات امیرکبیر تنها پوسته‌ای ماند. کرزن چهل سال پس از مرگ امیرکبیر نوشت: گذشته از اشیای تجملی غربی که طبقات بالا به آن معتاد شده‌اند، پوشاک همه طبقات جامعه از مرد و زن جملگی از غرب وارد می‌شود. ابریشم، ساتن، ماهوت برای اعیان، قماش نخ و پنبه‌ای برای روستایی از منچستر یا مسکو حتی نیلی که همسر روستایی به کار می‌برد، از بمبئی وارد می‌شود.^۳ در واقع از بالاترین تا پایین‌ترین مراتب اجتماعی به طور قطع وابسته و متکی به کالاهای غربی شده بودند.

به این ترتیب رشد وابستگی اقتصادی ایران و ورود بیش از پیش کالاهای غربی سبب شد تا روحانیون برجسته در آستانه انقلاب مشروطه احکامی در تحریم امتعه خارجی صادر کنند. استفتاء شیخ‌نوری در ۱۳۰۶ از میرزای شیرازی در باب تجارت با خارجیها که منجر به سلطه سیاسی آنان و نکس

۱. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران ۱۳۵۴ ش، ص ۴۱۴. ۲. همان، ص ۴۱۳.

۳. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۶-۶۶۷.

تجارت مسلمانان بود^۱ و پاسخ میرزای شیرازی نشان‌دهنده آغاز دوباره جنبش تحریم امتعه خارجی بود.

میرزای شیرازی در پاسخ به سئوالی که درباره ورود قند و کالاهای دیگر شده بود چنین پاسخ داد: «آنچه نوشته بودید از ترتب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر به محروسه ایران و همیشه ملتفت به آنها... که مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است بوده‌ام. از اقدام شما در تهیه دفع آنها که محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمین باشد، زیاده مسرورم. البته بهر وسیله که ممکن باشد رفع این مفاسد باشد... برعهده ذوی الشوکه از مسلمین است که با عزم محکم مبرم درصدد رفع احتیاج خلق باشد... و منع از ادخال آن در ملک خود نماید»^۲.

همچنین میرزای شیرازی در پاسخ به پرسش در باب لباس و چقار (سیگار) کشیدن گفت: «در حدیث آمده لاتلبسوا ملابس اعدائی و لاتطعموا مطاعم اعدائی و لاتسلکوا مسالک اعدائی فتکونوا اعدائی کما هم اعدائی»^۳.

سیاستهای نادرست دولت قاجاری در زمینه تجارت که کاهش تعرفه کالای فرنگی و افزایش تعرفه برای تجار داخلی بود، سبب شد تا بازرگانان ایرانی استقلال خود را در امر تجارت از دست بدهند و دنباله‌رو تاجران اروپایی شوند. لذا روشنفکران و تجار به کمک روحانیون در آستانه انقلاب مشروطه به حرکتی برای دستیابی به استقلال اقتصادی دست زدند تا سبب محدودیت ورود کالاهای فرنگی و رفع وابستگی شود. به این ترتیب که در ۱۳۱۵ مجدداً اسلام به یاری سیدجمال واعظ، ملک‌المتکلمین و میرزا علی

۱. محمد ترکمان، شیخ‌شهد فضل‌الله نوری، تهران ۱۳۶۳ ش، ص ۳۸۱. ۲. همان، ص ۳۸۲.

۳. همان، ۳۸۱.

جناب انجمن شرقی را با هدف رفع احتیاج از خارج، ایجاد کردند و بنا شد روحانیون در منبر در ماه مبارک رمضان مردم را به استعمال امتعه داخلی ترغیب کنند.^۱ خصوصاً آفانجفی در اصفهان حکم تحریم امتعه خارجی را صادر کرد.^۲ و نیز تجار تشویق به جمع‌آوری سرمایه و تشکیل شرکت وطنیه شدند.^۳ در ۱۳۱۵ محمدحسین کازرونی انجمنی به نام انجمن اسلامی برای ترویج پارچه‌های وطنی تأسیس کرد و ملک‌المتکلمین از جانب او در آن شرکت کرد و بنیانگذار انجمن شد.^۴ در نتیجه این اقدامات در ۱۳۱۶ شرکت اسلامی اصفهان از طبقات علما، تجار، کسبه و خواص و عوام با انتشار یک کرور تومان سهام تشکیل شد.^۵ یکی از اهداف این شرکت منع داد و ستد با خارج بود، و اعضای آن مجبور بودند البسه خود را از امتعه داخلی تأمین نمایند و هم خود را صرف ترقی متاع داخلی و آوردن اسباب و کارخانجات مفید نمایند. علمای اصفهان از این شرکت حمایت کردند و خود ملبوس به پارچه‌های اصفهان شدند.^۶ سیدجمال واعظ از جمله کسانی بود که در سخنرانیهای خود از این شرکت حمایت کرد و با تألیف رساله «لباس التقوا» در روشنگری مردم کوشید و مضار استفاده از البسه و قماش وارداتی را تشریح نمود.^۷

۱. اشرف، ص ۱۰۰.

۲. «متن استفتاء از علما در باب تحریم امتعه خارجی»، حبل‌المتین، سال ۲۴، ش ۳۳، کلکته ۱۳۲۴، ص ۲۲. ۳. اشرف، همانجا.

۴. ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، تهران ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۳۴۲.

۵. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ سعیدی سیرجانی، تهران ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۵۹.

۶. اشرف، ص ۱۰۱؛ محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیدجمال واعظ اصفهانی، تهران ۱۳۵۷ ش، ص ۵.

۷. سیدجمال واعظ، لباس التقوا، چاپ هما رضوانی، تهران ۱۳۶۳ ش، جایهای متعدد؛ باستانی پاریزی، ص ۵.

نشریات آن زمان از جمله حبل‌المتین با استفتاء از روحانیت و علمای نجف در مورد استفاده از امتعهٔ فرنگی و درج فتاوی در نشریه^۱ به این جنبش کمک شایانی می‌نمود از جمله حجة الاسلام سیدعلی رضوی در پاسخ به استفتاء حبل‌المتین اعلام می‌کند: «در صورتیکه مسلمین نمی‌توانند [کالای موردنیاز را] ایجاد کنند بر آنها لازم است خودشان اقدام کنند و وجوه نقدینه خود را در عوض اجناس فانیه به اجانب ندهند... هر جنس که نزد مسلمانان یافت شود، صلاح حفظ و بیضه اسلامیت آن است از غیر اهل اسلام نخرند. رعایت این جهت بر جمیع مسلمین لازم و فرض عین است در صورت مذکوره خریداری از اجانب حرام است». و سایر علما نیز در تأیید این فتوا احکامی دادند از جمله حجة الاسلام اسماعیل موسوی، سیدمحمد کاظم طباطبائی، شیخ‌الشریعه حاج میرزا فتح‌الله غروی اصفهانی، البراجی محمدحسین. محمدکاظم خراسانی می‌گوید: «بیع شرا با کفار را که موجب تقویت کفار و سبب ضعف مسلمین شود جایز ندانستند»^۲.

همچنین سیداحمد موسوی کاشانی از علمای تهران رسالهٔ «ارشاد الغافلین و تنبیه الجاهلین» را نوشت که در روزنامهٔ حبل‌المتین به چاپ رسید. در این رساله علل تحریم البسه و امتعهٔ خارجی را بر مبنای اصول فقهی و آیات قرآن تشریح نمود و گفت: «لباس اغیار که همه سراسر سوایی و جامه خیانت و عاریت است، نتیجه‌اش جز ذلّه و آوارگی و فلاکت و پریشانی نیست. [آن را باید] از خاک پاک اسلامیین و ابدان طاهرهٔ مسلمین دور نماییم»^۳ و در انتهای رساله از میرزای شیرازی که ریاست قاطبه امامیه را داشت خواست تا به تحریم منسوجات خارجی حکم دهد:

۱. حبل‌المتین، ص ۲۰. ۲. حبل‌المتین، ص ۲۰-۲۱.

۳. احمد موسوی کاشانی، «ارشاد الغافلین و تنبیه الجاهلین»، حبل‌المتین، سال ۱۸، ش ۴۱،

کلکته ۱۳۱۸، ص ۲.

«دخانیات به قدر منسوجات محل ابتلا مسلمین نیست. زیرا همه کس اهل دخانیات نمی باشد. بلکه لباس محل احتیاج کافه خلق است و منافع تجارت از راه ملبوسات بیشتر از راه تجارت دخانیات است. پس مستدعی هستم از علماء امامیه که معاودت فرمایید به حرمت امتعه و منسوجات کفار بدهند.»^۱

تحریم امتعه فرنگی توسط روحانیون، خصوصاً شیخ نورالله ثقة الاسلام و حاج میرزا حسین نوری در منابر و تأیید کار شرکت اسلامیه^۲ علاوه بر تقویت این شرکت، ناخشنودی چارلز مارلینگ کاردار انگلیس در تهران را سبب شد، به طوری که در ۱۳۲۵ او مکتوبی به وزیر خارجه مشیرالدوله نوشت که مضمون آن از این قرار است: «به دنبال منع خرید و فروش مال التجاره اروپایی توسط آقا نورالله ثقة الاسلام در منبر، تجار ایرانی جرأت نمی کنند مثل سابق با اروپاییها معامله کنند. خود دوستدار هم به هیچ وجه از این وضع راضی نیستم. باید از جناب عالی خواهش کنم که ارتباط تجارتنی را مثل سابق برقرار نمایند و مؤاخذه سخت و علنی از اشخاصی که این اظهارات ابلهانه مضره را نموده اند بنمایید. این اعمال به کلی مخالف مصالح حقیقی ایران است.»^۳

این جنبش پس از روبرو شدن با استبداد محمد علیشاه، هرج و مرج پس از خلع شاه و جنگ داخلی متوقف شد، خصوصاً جنگ جهانی اول که سبب به هم ریختن اوضاع اقتصادی جهانی شد بر کشور ما نیز تأثیر گذاشت و انقلاب اکتبر روسیه نیز مزید بر علت شد و تجار ایرانی که با این کشور مبادلاتی داشتند از هستی ساقط شدند. در نتیجه توان مالی جامعه کاهش

۱. حبل المتین، سال ۹، ش ۳، کلکته ۱۳۰۹، ص ۱۶.

۲. محمد ترکمان، «اسناد تاریخی در قطع وابستگی اقتصادی»، کیهان، اردیبهشت ۱۳۶۴.

۳. ترکمان، ۱۳۶۳، ش، ص ۲۰.

چشمگیر یافت و در اهداف اقتصادی انقلاب مشروطه تأخیر به عمل آمد. از ۱۳۰۰ ش به بعد درآمد نفتی کشور بالا رفت و نظم و امنیت برقرار شد. دولتمردانی که خواهان ادامه اهداف انقلاب بودند، با سرمایه‌گذاریهایی دولتی به تأسیس کارخانه‌های متعددی از جمله کارخانه‌های نساجی اقدام کردند. تا جایی که کارخانه کازرونی به دلیل تولید پارچه پالتویی مرغوب برای قشون، مورد تشویق قرار گرفت^۱. و نیز در ۱۳۰۱ قانون استعمال البسه وطنی به تصویب رسید و طبق ماده یک آن قانون دولت مکلف شد لباسهای مستخدمان لشکری و کشوری را از مصنوعات و منسوجات ایرانی تهیه نماید و به موجب ماده دو این قانون، عموم وزراء، نمایندگان مجلس شورا، معاونین و ولات و حکام و قضاة عدلیه که مشمول قانون استخدام می‌باشند در موقع اشتغال به خدمت مکلفند البسه خود را از مصنوعات و منسوجات ایران قرار دهند.^۲

پس از شهریور ۱۳۲۰، مبارزات استقلال‌طلبانه مردم رشد چشمگیری یافت و منجر به مبارزه برای ملی شدن نفت گردید. در چنین شرایطی آیت‌الله کاشانی با صدور حکم تحریم اجناس خارجی^۳ به تقویت و تکمیل مبارزات مردم کمک کرد.

با شکست نهضت ملی شدن نفت و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، مبارزات مردم ایران ناکام ماند و در پی آن حکم تحریم کالاهای خارجی نیز فراموش شد. از این پس با رشد درآمدهای نفتی دولت، دریافت وام از دولت امریکا و اصل چهار دولت ایران می‌توانست از طریق

۱. گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، بزرگداشت پنجاه ساله شاهنشاهی، تهران ۱۳۵۵ ش.

ج ۱، سال ۱۳۰.

۲. ایران، قوانین، مجموعه قوانین دوره چهارم مجلس، تهران ۱۳۰۱ ش، ص ۶۰۲.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۰۰۰۴۷۹۵.

برنامه‌ریزی صحیح تا حدودی زمینه پیشرفت و استقلال اقتصادی را فراهم سازد، لیکن رشد مصرف‌گرایی و هجوم سیل آسای کالاهای مصرفی از خارج، هزینه نامناسب بودجه در این دهه، کلیه امکانات مالی دولت را از میان برد که نتیجه مستقیم آن، کسر بودجه و بحران اقتصادی سالهای پایانی دهه سی بود.





ژړو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی